

# بررسی ارتباط و نوع سبک زندگی اسلامی- ایرانی با تمدن‌سازی نوین اسلامی (از منظر مقام معظم رهبری<sup>(مدظله‌العالی)</sup>)

بتول فلاح مراد<sup>۱</sup>

اولین همایش بین‌المللی گام دوم انقلاب؛ الگوی نظام انقلابی تمدن‌ساز

International Conference on the Second Step of the Revolution

## چکیده

بعد از صدور بیانیه گام دوم انقلاب از سوی مقام معظم رهبری، افراد صاحب‌نظر بسیاری به تحلیل و توضیح آن پرداختند. ما نیز در قالب یک مقاله علمی به بند هفتم از بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در حوزه سبک زندگی اسلامی- ایرانی، ورود انقلاب اسلامی به دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی نوین اسلامی، رابطه و نوع سبک زندگی در روند تمدن‌سازی پرداخته‌ایم.

این مقاله به روش تحلیلی، تبیین و در پنج مرحله زیر سازماندهی شده است: ۱. روشمند بودن شامل بررسی علت عدم پیشرفت در حوزه سبک زندگی و تمدن‌سازی نوین اسلامی؛ ۲. مسئله‌مند بودن دربرگیرنده مفاهیمی همچون تحقق مراحل انقلاب اسلامی، پرهیز از کلی‌گویی و پرداختن به جزئیات و کاربردی بودن روش‌ها؛ ۳. نیازسنجی و شناسایی آنچه در دین و فرهنگ ما به عنوان پایه‌های گفتمان توحیدی برای زندگی ایرانیان وجود دارد؛ ۴. آسیب‌شناسی و رصد بی‌توجهی‌ها، کم‌کاری‌ها و وادادگی‌ها به غرب در جبهه خودی؛ ۵. برنامه‌های با بغض و کینه دشمن در این حوزه. در نتیجه، معرفی یک گفتمان برتر و اصیل در حوزه سبک زندگی و تمدن‌سازی نوین اسلامی از منظر مقام معظم رهبری تبیین شده است.

## واژگان کلیدی

بیانیه گام دوم انقلاب، سبک زندگی، سبک زندگی اسلامی- ایرانی، تمدن‌سازی نوین اسلامی



## مقدمه

انقلاب اسلامی ایران همواره کانون توجه سیاستمداران، صاحب‌نظران علوم اجتماعی، مردم و گروه‌های مختلف در جهان بوده است. این انقلاب دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است که آن را از انقلاب‌های اجتماعی بزرگ جهان متمایز می‌کند و با توجه به پیشینه انقلاب‌های گذشته، کمتر کسی وقوع آن را پیش‌بینی می‌کرد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیز همواره بر این نکته تأکید داشته‌اند که انقلاب اسلامی نه یک حادثه منظومه‌ای، بلکه یک واقعه تاریخی و آغاز یک عصر جدید است. از منظر ایشان، انقلاب اسلامی در چارچوب سنت الهی و اراده خداوند بر حاکمیت دین در عصر غربت آن قابل تعریف است. این انقلاب به نام اسلام راه جدیدی را پیش پای بشریت نهاد. ایشان یک نظام و تمدن اسلامی و یک تاریخ جدید را قضیه‌ای جدی می‌دانند و از آن به «روز نو» مسلمانان تعبیر می‌کنند (بیانات رهبری، ۱۳۷۳/۳/۱۱).

رهبر انقلاب در «بیانیه گام دوم انقلاب» با مرور تجربه چهل ساله انقلاب اسلامی اعلام کردند انقلاب وارد «دومین مرحله گام دومی که باید به سوی آرمان» ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحنا فداه) برداشته شود، شده است. بند هفتم از بیانیه گام دوم در حوزه سبک زندگی بیان شده است.

هدف اصلی: هدف این مقاله بررسی نوع سبک زندگی اسلامی-ایرانی و ارتباط آن با تحقق تمدن‌سازی نوین اسلامی است.

سؤال اصلی: این‌گونه مطرح می‌شود که تبیین سبک زندگی اسلامی-ایرانی در تحقق تمدن نوین اسلامی چه جایگاهی از منظر مقام معظم رهبری دارد؟

فرضیه اصلی: به زعم ایشان، تبیین سبک زندگی اسلامی-ایرانی از بن‌مایه‌های ساختن تمدن‌سازی نوین اسلامی است.

پیشینه پژوهش: خاستگاه بحث «سبک زندگی» با این عنوان خاص به عالم غرب برمی‌گردد و از عمر آن حدود صد و اندی سال می‌گذرد. این مفهوم در آغاز با مباحث طبقه و منزلت اجتماعی پیوند خورده بود. در اوایل قرن بیستم، از یک سو «سبک زندگی» فرصت تبیین‌هایی غیر مارکسیستی را فراهم کرد و از سوی دیگر بسیاری از جامعه‌شناسان، این اصطلاح را گویاتر از شاخصه‌های رایج در مطالعه طبقه‌بندی اجتماعی می‌دانستند. در غرب کارهایی



در این موضوع شده که برای نمونه می‌توان به دیدگاه‌های آدلر، وبلن، زیمل، کانل و بودریو اشاره کرد که برخی از آنها به طور صریح و برخی دیگر تلویحی این موضوع را مورد مطالعه و ملاحظه قرار داده‌اند. طرح علمی این موضوع برای نخستین بار در روان‌شناسی از سوی آلفرد آدلر بود و سپس پیروان او آن را گسترش دادند. سبک زندگی از دهه ۱۹۹۰ مورد بررسی بیشتری قرار گرفت و آثار و مقالات مختلفی با رویکردهای متمایز در این زمینه به رشته تحریر در آمد. برخی آثار مکتوب فارسی نیز در این زمینه منتشر شده است (مجله معارف، ۱۳۹۲، ش ۹۶).

پیشینه پژوهش در مطالعات دینی: مطالعات زیادی در این حوزه انجام نگرفته است. تنها در بعضی مؤلفه‌ها مانند تغذیه، ورزش و اوقات فراغت، آن هم مختصر، به دیدگاه‌های دینی پرداخته شده، ولی هیچ‌الگویی برای سبک زندگی اسلامی ارائه نشده است و نوشته‌های جامعی در این حوزه وجود ندارد که همه ابعاد و نیز انسجام همه ابعاد را با هم لحاظ کرده باشد. از خلأ پژوهشی در این مورد می‌توان به این موضوع اشاره کرد که با بررسی تحقیقات انجام‌شده در این حوزه می‌توان دریافت بیشتر محققان و پژوهشگران به موضوع سبک زندگی در گذشته و حال پرداخته‌اند. در این مقاله سعی شده است رابطه و نوع سبک زندگی اسلامی- ایرانی که مقام معظم رهبری به آن پرداخته‌اند، با موضوع مهمی مانند تمدن‌سازی نوین اسلامی پیوند داده شود. در انجام این پژوهش از روش تحلیلی استفاده شده است.

## مفاهیم و چارچوب نظری

### ۱. تعریف پیشرفت

پیشرفت در مفهوم اسلامی، انتزاعی و ذهنی با هدف فلاح و رستگاری و نجات و در نتیجه زندگی راحت و برخوردار از امنیت روانی و اخلاقی تعریف می‌شود. پیشرفت در مفهوم غربی، کارکردگرایانه و عینی و بنابر اصل اصالت سود و لذت تعریف می‌شود. برای دستیابی به پیشرفت همه‌جانبه به معنی تمدن‌سازی نوین اسلامی باید در دو بخش ابزاری و متنی به آن پرداخت.

در بخش ابزاری ارزش‌های پیشرفت شامل علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ می‌شود. در بخش حقیقی و متنی شامل سبک و متن زندگی می‌شود. به زعم ایشان «اگر پیشرفت در بخش متنی نداشته باشیم، پیشرفت در بخش ابزاری ما را رستگار نمی‌کند و به ما امنیت و آرامش نمی‌دهد. در غرب همه جور پیشرفت هست، اما افسردگی، ناامیدی، از درون به هم ریختن، بی‌هدفی و پوچی و عدم امنیت انسان در خانواده و اجتماع هست.

ما اگر پیشرفت همه‌جانبه را به معنای تمدن‌سازی نوین اسلامی بگیریم- بالاخره یک مصداق عینی و خارجی برای پیشرفت با مفهوم اسلامی وجود دارد؛ این جور بگوییم که هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی، ایجاد یک تمدن نوین اسلامی است؛ این محاسبه درستی است- این تمدن نوین دو بخش دارد: یک بخش، بخش ابزاری است؛ یک بخش دیگر، بخش متنی و اصلی و اساسی است. به هر دو بخش باید رسید. آن بخش ابزاری چیست؟ بخش ابزاری عبارت است از همین ارزش‌هایی که ما امروز به عنوان پیشرفت کشور مطرح می‌کنیم: علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ؛ اینها همه بخش ابزاری تمدن است؛ وسیله است. البته ما در این بخش در کشور پیشرفت خوبی داشته‌ایم. اما بخش حقیقی، آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل می‌دهد؛ که همان سبک زندگی است که عرض کردیم. این، بخش حقیقی و اصلی تمدن است؛ مثل مسئله خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، مسئله خط، مسئله زبان، مسئله کسب و کار، رفتار ما در محل کار، رفتار ما در دانشگاه، رفتار ما در مدرسه، رفتار ما در فعالیت سیاسی، رفتار ما در ورزش، رفتار ما در رسانه‌ای که در اختیار ماست، رفتار ما با پدر و مادر، رفتار ما با همسر، رفتار ما با فرزند، رفتار ما با رئیس، رفتار ما با مرنوس، رفتار ما با پلیس، رفتار ما با مأمور دولت، سفرهای ما، نظافت و طهارت ما، رفتار ما با دوست، رفتار ما با دشمن، رفتار ما با بیگانه؛ اینها آن بخش‌های اصلی تمدن است، که متن زندگی انسان است» (بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳).



## ۲. تعریف سبک زندگی

سبک زندگی<sup>۱</sup> به بخشی از فرهنگ اطلاق می‌شود که به رفتار ظاهری (بیرونی) انسان و همچنین به ظاهر انسان برمی‌گردد که قابل مدیریت است. در سبک زندگی، به ظاهر رفتار، فرم‌ها و قالب‌های بروز احساسات پرداخته می‌شود. به بیان دیگر سبک زندگی یعنی ظاهر زندگی انسان که بر اثر بینش‌ها، ارزش‌ها، باورها و غیره پدید می‌آید. الزاماً سبک زندگی فرد، معلول عقاید او نیست. برای مثال ممکن است فردی مدلی از لباس را انتخاب کند که غربی است اما به ارزش‌های غربی عقیده نداشته باشد (خطیبی، ۱۳۹۱). در رشته مطالعات فرهنگی، سبک زندگی، به مجموعه رفتارها، مدل‌ها و الگوهای کنش‌های هر فرد اطلاق می‌شود که معطوف ابعاد هنجاری، رفتاری و معنایی زندگی او باشد و نشان‌دهنده کم و کیف نظام باورها و کنش‌ها و واکنش‌های فرد و جامعه است (نوروزی، ۱۳۹۲). سبک زندگی، نظام‌واره و سیستم خاص زندگی است که به یک فرد، خانواده یا جامعه، هویتی خاص می‌بخشد. این نظام‌واره، هندسه کلی رفتار بیرونی است که افراد، خانواده‌ها و جوامع را از یکدیگر متمایز می‌کند. از این حیث، سبک زندگی مجموعه‌ای کم و بیش منسجم از عملکردهای روزمره یک فرد است که نه تنها برآورنده حاجات مادی و معنوی وی است، بلکه متضمن فحوایی فلسفی است. این فحوای فلسفی، همان روایت خاصی است که وی با سبک زندگی خود آن را در برابر دیگران تجسم و تجسد می‌بخشد (سایت جامعه فرهنگی شهید آوینی).

«رفتار اجتماعی و سبک زندگی تابع تفسیر ما از زندگی است: هدف زندگی چیست؟ هر هدفی که ما برای زندگی معین کنیم، برای خودمان ترسیم کنیم، به طور طبیعی، متناسب با خود، یک سبک زندگی به ما پیشنهاد می‌شود. یک نقطه اصلی وجود دارد و آن، ایمان است. یک هدفی را باید ترسیم کنیم. هدف زندگی را. به آن ایمان پیدا کنیم. بدون ایمان، پیشرفت در این بخش‌ها امکان‌پذیر نیست؛ کار درست انجام نمی‌گیرد. مسئله ایمان، مهم است. ایمان به یک اصل، ایمان به یک لنگرگاه اصلی اعتقاد؛ یک چنین ایمانی باید وجود داشته باشد. بر اساس این ایمان، سبک زندگی انتخاب خواهد شد» (بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳).



### ۳. مفهوم تمدن‌سازی نوین اسلامی

«از میان همه ملت‌های زیر ستم، کمتر ملتی به انقلاب همت می‌گمارد و میان ملت‌هایی که به پا خاسته‌اند و انقلاب کرده‌اند کمتر دیده شده است که توانسته باشند کار را به نهایت برسانند و جز تغییر حکومت‌ها، آرمان‌های انقلابی را حفظ کرده باشند. اما انقلاب پرشکوه ملت ایران که بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که چلّه پر افتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه وسوسه‌هایی که غیر قابل مقاومت به نظر می‌رسند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده و اینک وارد دومین مرحله خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است» (بیانیه گام دوم انقلاب، ۹۷/۱۱/۲۲).

اهداف و آثار انقلاب اسلامی ایران را در سطوح زیر می‌توان تعریف کرد: (محمدی، ۱۳۹۴)

#### الف) سطح ملی

۱. تأسیس نظام سیاسی-دینی
۲. شکل‌گیری جامعه ولایی شامل امت ولایی و ولایت‌مدار، رهبر ولایی (ولایت فقیه) و مکتب ولایی

#### ب) سطح جهان‌تشیع

۱. خروج از حاشیه و استقرار در مرکز جهان اسلام
۲. الگوی مبارزات آزادی‌بخش
۳. جهانی شدن گفتمان شیعه

#### ج) سطح جهان اسلام

۱. بیداری اسلامی
۲. بازگشت به خویش‌نوازی

#### د) سطح جهان مستضعفین (جهان سوم)؛

#### ه) سطح نظام بین‌الملل؛

#### و) سطح تمدنی و اعصار تاریخ.

«انقلاب اسلامی همچون پدیده‌ای زنده و با اراده، همواره دارای انعطاف و آماده‌تضییع خطاهای خویش است، اما تجدیدناپذیر و اهل انفعال نیست. انقلاب اسلامی پس از



نظام‌سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمی‌شود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند، بلکه از نظریه نظام انقلابی تا ابد دفاع می‌کند» (بیانیه گام دوم انقلاب).

از تفاوت‌های دیگر انقلاب اسلامی با سایر انقلاب‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: تقابل با نظام دوقطبی و نظام وستفالیایی؛ شکل‌گیری دو اردوگاه سلطه‌گران و اردوگاه سلطه‌ستیزان؛ آغاز یک منازعه همه‌جانبه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و نظامی؛ تولید شیوه‌های خاص خود با الگوگیری از انقلاب اسلامی؛ منشأ بیداری انسانی عصر جدید در راستای اهدافی چون عدالت و آزادی در پرتو توحید و نبوت و معاد (محمدی، ۱۳۹۲).

آرنولد توین بی می‌گوید: «ظهور اسلام نقطه عطفی بر پایان تمدن یونان باستان و آغاز شکوفایی و گسترش تمدن اسلامی بود. رنسانس، نقطه عطف بر پایان فراگیر شدن دوره اسلامی و آغاز فراگیری تمدن غرب و مدرنیته بود. پیروزی انقلاب اسلامی، نقطه عطف و نویددهنده آغاز تمدن جهانی اسلامی بر پایه بازگشت به دین خداوند است.»

هانتینگتون، رئیس مرکز مطالعات استراتژیک هاروارد، معتقد است: مفهوم پارادایم تمدنی یا روح تمدنی از نقطه‌ای به نقطه دیگر منتقل می‌شود. هر بار علایقی خاص داعیه‌دار روح تمدنی در سراسر جهان می‌شود. برای دوام تمدن غرب باید خانه بعدی روح تمدنی را شناخت و آن خانه را تخریب کرد. تخریب خانه بعدی روح تمدن لزوماً به معنی جنگ نیست و می‌توان تضعیف حوزه‌های تمدنی را در دستور کار قرار داد یا اینکه درصدد حل کردن مفاهیم تمدنی در اصول غربی برآمد. ایران به علت برخورداری از حکومت متفاوت مبتنی بر تعالیم الهی وضعیتی متفاوت دارد. ایران برای غرب تنها یک دشمن سیاسی نیست، بلکه دشمن تمدنی نیز هست که در ذهن خود انهدام کامل تمدن غرب را می‌پرواند (محمدی، ۱۳۹۲).

بنابراین مظاهر تمدنی غرب مورد هجوم قرار می‌گیرد و موضوع برای غرب نگران‌کننده‌تر می‌شود. برخی مسائل برای غرب عرفی، جنبه قدسی داشته و دارند و حیات غرب در پیوند با آنهاست. عناوینی نظیر لیبرال دموکراسی به عنوان یک مدل حکومتی یا هولوکاست به بهانه تفوق و سلطه از ناحیه اسلام سیاسی و اسلام شیعی مورد تهدید قرار می‌گیرد. اسلامی که داعیه‌دار تمدن‌سازی است و به مماشات تن نمی‌دهد.



## بررسی ارتباط و نوع سبک زندگی با تمدن‌سازی نوین اسلامی

### ۱. یافتن علت عدم پیشرفت در حوزه سبک زندگی

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با بررسی علت عدم پیشرفت و عیوب اساسی زندگی، دلایل آن را این‌گونه شرح می‌دهند: «عیوب اساسی در سبک زندگی ماست؛ این دیگر مربوط به مسئولین نیست، مربوط به خود ما و شما آحاد مردم است. ما در سبک زندگی مشکلاتی داریم. یکی از مشکلات ما، مصرف‌گرایی است؛ یکی از مشکلات ما، اسراف و زیاده‌روی و زیاد خرج کردن است؛ یکی از مشکلات ما رفاه‌طلبی افراطی است؛ یکی از مشکلات ما اشرافی‌گری است. اشرافی‌گری متأسفانه از طبقات بالا سرریز می‌شود به طبقات پایین؛ آدم متوسط - [یعنی] از قشرهای متوسط هم وقتی می‌خواهد میهمانی بگیرد، وقتی می‌خواهد عروسی بگیرد، مثل اشراف عروسی می‌گیرد. این عیب است، این خطاست، این ضربه به کشور می‌زند. زیاد مصرف کردن، زیادی خواستن، زیادی خوردن، زیادی خرج کردن، جزو عیوب مهم ماست در سبک زندگی مان» (بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۷/۰۱/۰۱).

«مسجد [هم] پایگاه مقاومت است، هم [پایگاه] رشد فعالیت‌های فرهنگی و هدایت فرهنگی و بصیرت‌فرهنگی؛ در دل فرهنگ، سیاست هم هست. این را هم عرض بکنیم که معنای سیاست فقط این نیست که انسان طرفدار زید و مخالف عمرو باشد یا بعکس؛ سیاست یعنی نگاه به حرکت عمومی جامعه که کدام طرف داریم می‌رویم؛ آیا به سمت هدف‌ها داریم حرکت می‌کنیم یا زاویه گرفته‌ایم و داریم از هدف‌ها دور می‌شویم؟ معنای واقعی سیاست این است. آن‌وقت در خلال این نگاه، تکلیف آدم‌ها و اشخاص و گروه‌ها و احزاب و جریان‌ها روشن می‌شود که آیا داریم به سمت عدالت اجتماعی می‌رویم؟ آیا داریم به سمت استقلال واقعی دینی می‌رویم؟ آیا داریم به سمت ایجاد تمدن اسلامی می‌رویم؟ آیا داریم به سمت ایجاد تمدن اسلامی می‌رویم یا داریم به سمت وابستگی به غرب و وابستگی به آمریکا و تحت تأثیر قرار گرفتن نسبت به بافته‌ها و یافته‌های بی‌مغز غربی‌ها حرکت می‌کنیم؟ این خیلی مسئله مهمی است که سبک زندگی ما، ما را به کدام طرف دارد می‌کشاند؛ این نگاه، نگاه سیاسی است که می‌بینید از فرهنگ سرچشمه می‌گیرد؛ بنابراین در دل فرهنگ، سیاست هم هست» (بیانات در دیدار ائمه جماعات مساجد استان تهران، ۱۳۹۵/۰۵/۳۱).





## ۲. یافتن روش و گفتمانی که ناظر به رفع آسیب‌ها باشد.

مقام معظم رهبری پس از بررسی و شناسایی علت عدم پیشرفت در حوزه سبک زندگی، از نخبگان فکری و جوانان می‌خواهند روش و گفتمانی را طرح‌ریزی کنند که ناظر به رفع آسیب‌ها باشد.

«سبک زندگی اسلامی-ایرانی را در اندیشه و عمل دنبال کنید؛ مسئله مهمی است. بنشینید رویش فکر کنید، مصداق‌هایش را مشخص کنید، بعد خودتان عمل کنید و این را به عنوان دستورالعمل [منتشر کنید]؛ فرض کنید یک جزوه منتشر بشود در مورد سبک زندگی اسلامی؛ کار شما جوان‌هاست که هم حوصله دارید، هم استعداد دارید، هم مغزش را دارید، [هم] توانایی‌اش را دارید» (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۵/۰۴/۱۲).

«در همه مسائل زندگی- در دانش، در مدیریت، در پیشبرد سبک زندگی، در حفظ ارزش‌های انقلابی؛ در همه مسائل مهم- همین چند نکته، هم لازم است و هم ممکن؛ هم باید نوآوری و ابتکار را در همه کارها مورد توجه جدی قرار داد، هم زیبایی و چشم‌نوازی را، هم پرمغز بودن و پرمضمون بودن را؛ از کارهای سطحی در همه مسائل زندگی و مهم کشور باید صرف‌نظر کرد و به کارهای عمیق، پرمغز و ماندگار توجه کرد» (بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین(ع)، ۱۳۹۴/۰۲/۳۰).

## ۳. پرهیز از کلی‌نگری (پرداختن به جزئیات و کاربردی بودن آنها)

یکی از راه‌هایی که می‌توان به درک بهتری از مفهوم سبک زندگی از نظر اندیشمندان گوناگون دست یافت، بررسی عناصر و مؤلفه‌هایی است که آنان برای سبک زندگی برشمرده‌اند یا در تحقیقات خود از آن به عنوان شاخص بهره برده‌اند. عناصری که زیمل، ویلن و وبر در آثار خود از آنها یاد کرده‌اند، عبارت از شیوه تغذیه، خودآرایی (نوع پوشاک و پیروی از مد)، نوع مسکن (دکوراسیون معماری و اثاثیه)، نوع وسیله حمل و نقل، شیوه‌های گذران اوقات فراغت و تفریح و مانند آن است. در دو دهه اخیر دانشمندان علوم اجتماعی، شاخص‌های متعددی را برای سبک زندگی ارائه کرده‌اند (مظاهری و همکاران، ۱۳۹۶).

مؤلفه‌های تأثیرگذار در سبک زندگی از دیدگاه رهبر انقلاب، در پنج حوزه فکر و اندیشه، خلیقات اجتماعی، خلیقات فردی، خانواده و کسب و کار دسته‌بندی می‌شود. فکر و اندیشه



شامل مؤلفه‌هایی مثل ایمان، علم و آگاهی، پرهیز از تقلید، توجه به نمادهای دینی و توجه به ارزش‌های فرهنگی و تاریخی است. خلیقات فردی شامل مؤلفه‌هایی مثل لباس و پوشش، خوراک و آشپزی، سفر و تفریح و اصلاح الگوی مصرف است. خانواده، مؤلفه‌هایی مانند سبک ازدواج، سبک روابط اجتماعی در درون خانواده و سبک تولید مثل باید اصلاحات جدی شود. خلیقات اجتماعی شامل مؤلفه‌هایی مثل انضباط اجتماعی و قانون‌مداری است. کسب و کار شامل مؤلفه‌هایی مثل وجدان کاری و روحیه کار جمعی است.

#### ۴. پرهیز و مقابله با اشرافی‌گری

به زعم رهبری، از مؤلفه‌های سبک زندگی، پرهیز و مقابله با اشرافی‌گری است که در دیدار با جمعی از جوانان و نمایندگان مجلس با تأکید بر استفاده از کالای ایرانی، بر نفی وابستگی فکری و ذهنی به کالای خارجی تأکید کرده‌اند.

«مقابله با اشرافی‌گری یعنی در افکار عمومی، اشرافی‌گری نفی بشود. وابستگی فکری نفی بشود. بحث کالای ایرانی مطرح است؛ مشکل عمده‌ای که بنده با آن برخورد کرده‌ام، یک مشکل ذهنی نسبت به کالای خارجی است که متأسفانه در یک قشر وسیعی در کشور وجود دارد که از مواریت نحس و نجس رژییم طاغوت گذشته است؛ چشم به محصولات خارجی بود و هر چیزی، خارجی‌اش بهتر بود؛ البتّه کارِ داخلی قابلِ ذکری هم آن روز نبود؛ این هنوز باقی مانده. این مشکل، مشکل فکری است؛ یک حرکت عمومی فکری به وجود بیاید برای تحوّل در این احساس‌ها. مثلاً اگر چنانچه ما بتوانیم این فکر را که «جنس خارجی بهتر است» از ذهن‌ها پاک بکنیم، آن وقت خود مردم به طور طبیعی می‌روند دنبال کالای داخلی و برکات و خیرات این کار همه تحقق پیدا خواهد کرد. مطالبه سبک زندگی اسلامی - ایرانی، مطالبه فرهنگ دینی، مقابله با لابلایی‌گری و بی‌تفاوتی و بی‌حالی، مقابله با دین‌ستیزی و همه اینها با حوصله و صبر و تدبیر» (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۷/۰۳/۷).

«مسئله اشرافی‌گری اگر چنانچه رایج شد، جزو سبک زندگی ما شد، آثار و تبعات آن و ریزش‌هایی که به وجود می‌آید، دیگر انتهای ندارد، خیلی مشکل است، خیلی کار را مشکل خواهد کرد؛ این را بایست [در نظر] داشته باشید» (بیانات در دیدار نمایندگان و کارکنان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۷/۰۳/۳۰).



## ۵. اجتناب از طرح و تصویب قوانین تحت تأثیر زندگی غربی

«گفتیم قانون در پی حل مشکلات واقعی باشد؛ من ملاحظه کردم بعضی از قوانین مربوط به خانواده که در مجلس مطرح است و بحث می‌شود یا تصویب می‌شود، انسان احساس می‌کند که تحت تأثیر و اثرپذیری از رسوم غربی است؛ از این باید اجتناب بشود. غربی‌ها نسبت به خانواده هیچ‌گونه اهمیتی ندارند؛ نه اینکه نخواهند، [بلکه] شرایط و سبک زندگی غربی معارض با خانواده به معنای واقعی کلمه است؛ این را خودشان هم دارند می‌گویند و سال‌هاست گرفتارش هستند؛ حالا می‌خواهند علاج کنند و نمی‌توانند علاج کنند؛ یعنی بنیاد خانواده، نهاد خانواده در غرب به شدت تضعیف شده است. حالا ما بیایم چیزهایی را که اینها مثلاً راجع به زن و جوان و فرزند و پدر و مادر و مانند اینها در عرف خودشان دارند، در مسائل مربوط به خانواده راه بدهیم! نه، این مطرح نیست. ما برای خانواده بایستی قانونی را وضع کنیم که به معنای واقعی کلمه، حل‌کننده مشکلات خانواده‌ها باشد. [اگر] مشکلاتی وجود دارد، حل‌کننده این مشکلات باشد. تأثر از آن منطقه نباشد» (بیانات در دیدار نمایندگان و کارکنان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۷/۰۳/۳۰).

## ۶. نقش دین در نوع سبک زندگی

«دین به عنوان نوعی از هدایت الهی، دگرگونی و آثار عمیق و وسیعی در اندیشه و روح انسان پدید می‌آورد. در پرتو این دگرگونی که نظام شناخت‌ها و باورها، ارزش‌ها، گرایش‌ها، رفتارها و کردارهای انسان را دربرمی‌گیرد، استعدادهای درونی شکوفا و هدایت می‌شود و مسیری ویژه به تکامل می‌رسد. دین می‌تواند درباره خدمت گرفتن شاخص‌های مناسب فرهنگ گذشته، اگر مغایرتی با آموزه‌های دینی نداشته باشد، توجه و آن را تأیید کند» (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۱۵).

«به عقیده صاحب‌نظران، سبک زندگی هر فرد و جامعه متأثر از نوع باورها (جهان‌بینی) و ارزش‌های حاکم بر آن فرد و جامعه است. مشخص است که جهان‌بینی مادی و ارزش‌های لذت‌گرایانه طبیعتاً سبک زندگی خاصی را پدید می‌آورند؛ همان‌طور که جهان‌بینی الهی و ارزش‌های کمال‌گرایانه و سعادت‌محورانه سبک خاصی از زندگی را شکل می‌دهند» (شریفی، ۱۳۹۱: ۳۴).



سبک زندگی از دیدگاه اسلام، به مجموعه‌ای از موضوعات مورد قبول اسلام در عرصه زندگی اشاره دارد که بر اساس معیار رفتار ما، باید مبتنی بر اسلام و آموزه‌های اسلامی باشد. خدامحوری و حاکمیت ارزش‌های اسلامی در زندگی از مهم‌ترین معیارهای سبک زندگی مورد تأیید اسلام است. در واقع در این سبک زندگی، زندگی فردی و اجتماعی افراد باید مبتنی بر رهنمودهای قرآنی باشد. اسلام با احکام جاودانه خود سبکی آرمانی و در عین حال واقع‌گرایانه را پیشنهاد کرده که مبتنی بر نگرش متعالی به هستی و انسان است و آدمی را موجودی مسئول و مختار می‌داند که سرنوشت او به دست خودش رقم می‌خورد. در این سبک زندگی، غایت آموزه‌های دینی رهایی از سبک زندگی غیر اسلامی و رسیدن به حیات طیبه است. در اسلام، سبک زندگی بر اساس محور اعتقادات، اخلاقیات و وظایف عملی (عبادات) استوار است. تعالیم اسلام تمام وظایف زندگی را پوشش می‌دهد و سبک زندگی برگرفته از آن مطابق فطرت بشریت است.

اگر بخواهیم وجوه گوناگون سبک زندگی را در چارچوب آموزه‌های دین اسلام، مطالعه و وضعیت هنجاری و شایسته آن را از این آموزه‌ها استخراج کنیم، باید به بررسی جنبه‌های متعدد و متنوع سبک زندگی در سه سطح کلی نگرش، گرایش و کنش بپردازیم.

بخش نگرش ناظر بر مجموعه‌ای نظام‌مند از باورهای دینی است که هویت انسان بر اساس آن تعریف و ترسیم می‌شود. بخش گرایش حاکی از ارزش‌ها و هنجارهایی است که به سلیقه و توانایی ترجیح افراد و گروه‌های اجتماعی جهت می‌دهد. بخش کنش نیز مشتمل بر الگوها و شیوه‌های رفتارهای عینی برگرفته از آموزه‌های اسلامی است. بدین ترتیب، سرمایه فرهنگی برآمده از کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی از جهان‌بینی و نظام معنایی دین اسلام در کنار نمادهای آیینی و شعایر دینی می‌تواند مجموعه پیروان اسلام را به شکل منسجم در شکل‌دهی ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و سلاقی و ترجیح‌های برآمده از آن یاری دهد. البته این موضوع می‌تواند به شکل‌گیری الگوهای ویژه برای زندگی بینجامد و نوعی از سبک زندگی دینی را پدید آورد (صدیق سروستانی و هاشمی، ۱۳۸۱: ۱۵۰).

مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی را می‌توان چنین دسته‌بندی کرد: مؤلفه‌های اجتماعی، مؤلفه‌های عبادی، مؤلفه باورها به مفاهیم هستی‌شناختی، مؤلفه اخلاق و غیره (مظاهری و همکاران، ۱۳۹۶).



## ۷. انطباق نیازهای جدید زندگی امروز با اصول توحیدی

مقام معظم رهبری در اردیبهشت ۱۳۹۸ در جمع طلاب حوزه‌های علمیه وظیفه محقق کردن حقایق دین اسلام در متن زندگی مردم را بر عهده حوزه‌های علمیه گذاشتند و فرمودند: «حوزه‌های علمیه، مرکز تعلیم اسلام‌اند. اسلام فقط معرفت نیست، تعهد به عمل و تحقق احکام اسلام هم جزو اسلام است؛ [یعنی] اصول دین، فروع دین، ارزش‌های اخلاقی، سبک زندگی، آیین حکمرانی، اینها همه جزو اسلام و جزو معارف اسلامی است. این بخشی از کار حوزه‌های علمیه است؛ چرا؟ چون این بخشی از اسلام است؛ بخش دیگر اسلام عبارت است از محقق کردن این حقایق در متن جامعه، در متن زندگی مردم، یعنی هدایت؛ این بخشی از اسلام است دیگر. اسلام فقط توحید به معنای علم توحید با همان عمق و معرفت عرفانی و فلسفی و [مانند] اینها نیست، بلکه اسلام عبارت است از استقرار توحید در جامعه؛ یعنی جامعه موحد بشود؛ این هم جزو اسلام است» (بیانات در دیدار طلاب حوزه‌های علمیه، ۱۳۹۸/۰۲/۱۸).

همچنین ایشان در پاسخ به این سؤال که نقش‌آفرینان تمدن اسلام چه کسانی هستند؟ علمای دین را دارای محوری‌ترین نقش دانستند و فرمودند: «بدون شک مدیران جامعه جزو نقش‌آفرینانند، سیاست‌مداران جزو نقش‌آفرینانند، متفکران جزو نقش‌آفرینانند، آحاد مردم هر کدام به نحوی می‌توانند درخور استعداد خود نقش‌آفرینی کنند، اما نقش علمای دین یک نقش یگانه است، نقش منحصر به فرد است. مدیران جامعه هم برای اینکه بتوانند درست نقش‌آفرینی کنند به علمای دین احتیاج دارند. سیاست‌مداران و فعالان سیاسی در جامعه نیز همین‌طور. محیط‌های گوناگون علمی و روشنفکری نیز همین‌طور... نقش‌آفرینی را به علمای دین منحصر نمی‌کنیم، اما جایگاه نقش‌آفرینی علمای دین را از همه جایگاه‌های دیگر برجسته‌تر می‌بینیم. به این دلیل روشن که در این راه اندیشه دینی و ایمان دینی برای انسان‌ها لازم است، تولید فکر اسلامی برای این راه ضروری و لازم است و اگر علمای دین سر صحنه نباشند، دیگری نمی‌تواند این کار را انجام دهد.»

## ۸. ویژگی‌های انسان مطلوب اسلام

«ما ملتی هستیم با آرمان‌های بلند، با حرف‌های بزرگ، با قلّه‌های ترسیم‌شده‌ای که می‌خواهیم خودمان را به این قلّه‌ها برسانیم. این احتیاج دارد به انسان‌های صبور، عاقل، متدین، اهل ابتکار، اهل اقدام، دور از تنبلی، مهربان، عطف، دارای حلم، دارای شجاعت، با رفتارهای مؤدبانه، پرهیزگار و انسان‌هایی که درد دیگران، درد آنها محسوب بشود. بافت انسان و قالب و تراش یک انسان مطلوب اسلام چیزی است که با تربیت حاصل می‌شود. همه انسان‌ها هم قابل تربیت‌اند. همه انسان‌ها در معرض تغییر و تبدیلی هستند که با تربیت حاصل می‌شود» (بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان سراسر کشور، ۱۳۹۷/۰۲/۱۷).

## آسیب‌شناسی وضع موجود

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی جریان‌هایی در داخل و خارج روبه‌روی انقلاب ایستادند. برخی از همان نخست، انقلاب اسلامی را در تقابل با منافع خود دیدند. عده‌ای از ظن خود یار انقلاب شدند، بدون آنکه فهم و درک درستی از مفاهیم و مبانی انقلاب داشته باشند. عده‌ای انقلاب اسلامی را موجی می‌دیدند که می‌شد سوار بر آن حرکت انقلابیون را دمی بعد از تثبیت انقلاب مصادره کرد. البته سرفصل همه این جریان‌ها استکبار بود. در مقطعی از انقلاب، جریان‌هایی با موج انقلابیون همراه شدند که نمی‌توانستند نسبت واقعی با انقلابیون برقرار کنند. این همراهی، همراهی مبنایی نبود. برخی بر این باور بودند که بعد از پیروزی می‌توان روحانیت را خانه‌نشین و انقلاب را مصادره کرد. عده‌ای خود را حامی امام می‌دانستند، اما چون به عمق این اندیشه‌ها دست نیافته بودند و فقط سطحی همراه امام شدند، گرفتار لغزش شدند. مدل تمدنی قبل از انقلاب اسلامی و سکولاریته به عنوان یک ایدئولوژی حاکم بر همه جوانب زندگی بشری کوشید تا بعد از انقلاب خود را بازتولید کند و در این مسیر برنامه‌ریزی کرد تا از ذهن‌ها و قلم‌های انقلابیون نیز بهره ببرد. به این ترتیب پوسته نظام و ساختار آن اسلامی بود، اما در درون آن، نرم‌افزار انقلاب اسلامی جاری نشده بود.



## ۱. بی‌توجهی‌ها و کم‌کاری‌ها در جبهه خودی

از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، یکی از علت‌های عدم پیشرفت در حوزه سبک زندگی بی‌توجهی‌ها و کم‌کاری‌ها و وادادگی‌ها در جبهه خودی است. عده‌ای که غرب را بزک می‌کنند و با توجه به در دست داشتن رسانه‌ها نمی‌گذارند افکار عمومی متوجه شیطنت و شرارت باطنی دولت‌های غربی شوند.

«در داخل متأسفانه بعضی‌ها غرب را بزک می‌کنند، بدی‌های غرب را توجیه می‌کنند، رتوش می‌کنند، نمی‌گذارند افکار عمومی متوجه بشود که همین دولت‌های ظاهرالصلاح- مثل فرانسه، مثل انگلیس، مثل دیگران- در باطن‌شان چقدر شیطنت و شرارت وجود دارد؛ مطبوعاتچی‌ها بین‌شان هست، رسانه‌ای‌ها بین‌شان هست؛ مثل تقی‌زاده. در دوره طاغوت، آدمی مثل تقی‌زاده، به این مضمون گفت که ایران باید از فرقِ سر تا ناخن پا غربی بشود؛ یعنی سبک زندگی در ایران باید غربی بشود. امروز هم تقی‌زاده‌های جدید از این حرف‌ها می‌زنند؛ البته به این صراحت نمی‌گویند اما مضمون حرف‌شان این است. آنهایی که افکار غربی را، سبک زندگی غربی را، روش‌های غربی را، لغات غربی را به طور پیوسته در داخل، در ادبیات ما، در افکار ما، در دانشگاه‌های ما، در مدارس ما تزریق می‌کنند، پمپاژ می‌کنند، اینها همین تقی‌زاده‌های جدیدند. آنهایی که پشت سر سند ۲۰۳۰ - سند ۲۰۳۰ یعنی برگرداندن سبک زندگی اسلامی به زندگی غربی- می‌ایستند، همان تقی‌زاده‌های امروز هستند؛ البته امروز به توفیق الهی جوان‌های مؤمن ما و مردم انقلابی ما نخواهند گذاشت این تقی‌زاده‌ها حرف‌شان به کرسی بنشیند» (بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۸/۰۱/۰۱).

## ۲. برنامه‌های با بغض و کینه دشمن

یکی دیگر از مراحل آسیب‌شناسی در بررسی علل عدم پیشرفت، رصد تهاجم فکری، فرهنگی و رسانه‌ای دشمنان انقلاب است. این برنامه‌ها شخصیت و هویت و باورها و سبک زندگی اسلامی- ایرانی را هدف قرار داده است. مقام معظم رهبری در دیدار با فرماندهان گردان‌های بسیج به پروژه مهم نفوذ جریانی یعنی شبکه‌سازی در داخل ملت اشاره کردند و هدف از این نفوذ را تغییر نگاه و نتیجه به همان چیزی دانستند که یک آمریکایی ... می‌خواهد.

«نفوذ جریانی، یعنی شبکه‌سازی در داخل ملت به وسیله پول که نقش پول و نقش امور



اقتصادی اینجا روشن می‌شود. عمده‌ترین وسیله دو چیز [است]: یکی پول، یکی هم جاذبه‌های جنسی. افراد را جذب کنند، دور هم جمع کنند؛ یک هدف جعلی و دروغین مطرح کنند و افراد مؤثر را، افرادی که می‌توانند در جامعه اثرگذار باشند، بکشانند به آن سمت مد نظر خودشان. آن سمت مد نظر چیست؟ آن عبارت است از تغییر باورها، تغییر آرمان‌ها، تغییر نگاه‌ها، تغییر سبک زندگی؛ کاری کنند که این شخصی که مورد نفوذ قرار گرفته است، تحت تأثیر نفوذ قرار گرفته، همان چیزی را فکر کند که آن آمریکایی فکر می‌کند؛ یعنی کاری کنند که شما همان جوری نگاه کنی به مسئله که یک آمریکایی نگاه می‌کند. البته یک سیاستمدار آمریکایی، به مردم آمریکا کاری ندارد. همان جوری تشخیص بدهی که آن مأمور عالی‌رتبه سیا تشخیص می‌دهد؛ در نتیجه همان چیزی را بخواهی که او می‌خواهد. بنابراین خیال او آسوده است؛ بدون اینکه لازم باشد خودش را به خطر بیندازد و وارد عرصه بشود، شما برای او داری کار می‌کنی؛ هدف این است، هدف نفوذ این است؛ نفوذ جریانی، نفوذ شبکه‌ای، نفوذ گسترده نه موردی» (بیانات در دیدار فرماندهان گردان‌های بسیج، ۱۳۹۴/۰۹/۰۴).

«رسالت دیگر این سازمان [تبلیغات اسلامی] رصد و مقابله هوشمندانه با تهاجمات فکری، فرهنگی، تبلیغی و رسانه‌ای دشمنان دین و انقلاب و کشور است. دشمنانی که نه امروز بلکه از چند دهه پیش، هویت و شخصیت و باور و رفتار و سبک زندگی اسلامی-ایرانی مردم به خصوص جوانان را هدف قرار داده و با شیوه‌ها و ابزارهای متکی به فناوری‌های ارتباطی و رسانه‌ای اعم از هنر و سینما و فضای مجازی و غیره، درصدد تھی کردن انقلاب از عقبه دینی و ایمانی و مردمی آن هستند» (انتصاب حجت‌الاسلام محمد قمی به ریاست سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۹۷/۰۵/۲۸).

## ایجاد گفتمان برتر و اصیل در حوزه تمدن‌سازی نوین اسلامی

### ۱. ظرفیت و ضرورت تبیین دستورالعمل‌های تغییر ساختار زندگی

از منظر آیت‌الله خامنه‌ای به مثابه یک متفکر و اندیشمند اسلامی، هدف نهایی انقلاب اسلامی رسیدن به تمدن اسلامی در زنجیره‌ای منطقی و مستمر است که بر چهار رکن دین، عقلانیت، علم و اخلاق بنا شده است و برای تحقق آن باید پنج مرحله انقلاب اسلامی،





نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن اسلامی در مسیر تمدن‌سازی پشت سر گذاشته شود. پس از وقوع انقلاب اسلامی و تشکیل نظام اسلامی (جمهوری اسلامی) که ارکان، عناصر و ابعاد آن در قانون اساسی متجلی است و البته هنوز به طور کامل تحقق پیدا نکرده، عبور از سه گام دیگر در زنجیره تمدن‌سازی فرایندی پیچیده است. بررسی بیانات ایشان نشان می‌دهد که برای تحقق این سه مرحله از زنجیره تمدن نوین اسلامی، پیمودن چهار گام لازم است که عبارت‌اند از: تولید نظریه توسط حوزه علمیه؛ تولید علم توسط دانشگاه؛ کاربست در سطح خرد توسط گروه‌های خودجوش نخبگانی و گفت‌وگو‌سازی که در نهایت به تطبیق دولت و چارچوب‌های آن با چارچوب‌های دینی می‌انجامد؛ تفوق‌گفتمانی که موجب ریل‌گذاری و تعیین مسیر حرکت می‌شود. با شکل‌گیری جامعه اسلامی اسوه، زمینه برای الگوگیری و آغاز تمدن اسلامی که تجلی کامل آن در عصر ظهور خواهد بود، فراهم می‌شود (جهان‌بین و معینی پور، ۱۳۹۳: ۲۹-۴۶).

## ۲. تبیین بن‌مایه‌های زندگی توسط اسلام

در تعریف تمدن می‌توان آن را حاصل امتداد فرهنگ و پذیرش نظم اجتماعی دانست که در آن از مرحله بادیه‌نشینی خارج و در شاهراه نهادینه شدن امور اجتماعی و مدنیت گام گذاشته می‌شود. از این رو تمدن حاصل عینیت‌یافتگی و امتداد مبانی شناختی-هنجاری است که در آن به سؤال‌های بنیادین هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی پاسخ داده می‌شود و طبق آن، ارزش‌ها و نیز هنجارها که نسبت به ارزش‌ها انضمامی‌ترند تعیین می‌شوند و بر اساس آن نهادها شکل می‌گیرند. نهادها متکفل بازتولید نظام‌های نظری-عملی هستند. تفاوت تمدن‌ها از همین جا نشئت می‌گیرد؛ به عبارتی، مدل‌های نظری-عملی گوناگون، تمدن‌های مختلف را شکل می‌دهند و به عبارت ملموس‌تر، تمدن‌ها اشکال انضمامی شده مدل‌های نظری هستند که انتزاعی‌اند (جهان‌بین و معینی پور، ۱۳۹۳: ۲۹-۴۶).

آیت‌الله سید علی خامنه‌ای با رویکردی ایجابی و سلبی، تمدن را تعریف می‌کنند و برای تعریف تمدن توجهی ویژه به ارکان و مبانی آن دارند. ایشان تمدن را بماهو تمدن تعریف نمی‌کنند، بلکه مستقیماً به تعریف تمدن با رویکردی اسلامی می‌پردازند. ایشان در تعریف تمدن اسلامی آن را تمدنی می‌دانند که «با شاخصه‌های ایمان، علم، اخلاق و مجاهدت

مداوم، اندیشه پیشرفته و اخلاق والا همراه بوده و نقطه رهایی از جهان بینی مادی و ظالمانه و اخلاق به لجن کشیده ای است که ارکان تمدن امروزی غرب اند» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۰۲/۰۹). ایشان تمدن اسلامی جدید را بر پایه چهار رکن دین، عقلانیت، علم و اخلاق می دانند (۱۳۹۰/۰۶/۲۶) که «در آن علم همراه با اخلاق، مادیات همراه با معنویت و دین و قدرت سیاسی همراه با عدالت است» (۱۳۷۹/۰۷/۱۴).

### ۳. ارکان چهارگانه تولید مدل تمدن سازی

این ارکان راهنمای مدل خواهند بود که می توان به صورت زیر بیان کرد:

**دین جامع:** اولین و بنیادی ترین اصل در شکل گیری تمدن نوین اسلامی، «دین» است. با توجه به گستره مفهوم دین به طور عمومی نمی توان تعریفی مورد اتفاق از دین ارائه داد. به رغم گستردگی این تعاریف که ناظر به گستره و منشأ آن، تعاریف متعددی می یابد، می توان در یک تعریف جامع، دین را مجموعه عقاید، قوانین و مقرراتی دانست که هم به اصول بینشی بشر نظر دارد و هم درباره اصول گرایشی وی سخن می گوید و هم اخلاق و شئون زندگی او را زیر پوشش دارد. به سخن دیگر، دین مجموعه عقاید، اخلاق و قوانین و مقرراتی است که برای اداره فرد و جامعه انسانی و پرورش انسان ها از طریق وحی و عقل در اختیار آنان قرار دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۰: ۲۷). از نظر امام خمینی نیز از آنجا که انسان دارای سه لایه عقلی، قلبی و ظاهری است و بعد عقلی نیازمند کمال، بعد اخلاقی نیازمند تربیت و بعد ظاهری او نیازمند عمل است، دستورهای انبیا نیز باید ناظر بر هر سه بعد باشد (امام خمینی، ۱۳۷۷: ۳۸۷). نگاه ایشان به دین کاملاً جامع و منطبق بر لایه های ساختاری وجود انسان و نیازهای بشر است؛ از این رو ایشان هم به فلسفه و عرفان که مربوط به بعد عقلی و روحی انسان است اهمیت می دهند، هم به اخلاق و تربیت که مربوط به بعد میانی وجود انسان است و هم به فقه و ظواهر شرع و از هیچ کدام به نفع دیگری عقب نمی نشینند. بر این اساس و با توجه به چنین دین شناسی منظومه ای و سیستمی، سیاست جایگاه برجسته ای در تحقق دین می یابد. می توان گفت سیاست، مهندسی بعد ظاهری زندگی انسان، یعنی لایه ظاهری وجود بشر را بر عهده دارد؛ از این رو نفی سیاست به معنای نفی اسلام است (امام خمینی، ۱۳۷۵: ۳۳۹).



**عقلانیت:** حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به اهمیت عقلانیت، تحقق آن را مهم‌ترین هدف رسالت نبی مکرم اسلام و یکی از ارکان چهارگانه تحقق تمدن نوین اسلامی می‌داند. ایشان با توجه دادن به ویژگی‌های خرد انسانی که هادی به دین، توحید و مانع از ارتکاب اعمال سفیهانه و جاهلانه است، عقل را معیار و ملاک تشکیل مدینه فاضله و امت واحده اسلامی و تمدن بزرگ اسلامی می‌داند (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۰۴/۲۹). بی‌شک این عقل، هم در جایگاه معرفتی باید متکفل پاسخ به سؤال‌های بنیادین باشد (امام خمینی، ۱۳۷۷: ۱۲۲-۱۲۷).

**علم:** آیت‌الله سید علی خامنه‌ای علم را یکی از ارکان تمدن اسلامی می‌داند و با تأکید بر کشف قوانین دنیا و مدیریت بر آن و نقش بی‌بدیل علم در این فرایند معتقدند: «شما باید روح علمی و علم‌گرایی را و اینکه این کون عظیم قاعده‌ای دارد و بر تمام اجزایش قانونی حکم فرماست و ما از طرف دین مأموریم که این قانون را کشف کنیم که بتوانیم این کون را اداره کنیم، در جامعه گسترش دهیم. بشر برای اداره این کون آمده است. بشر آمده که بر سنگ و چوب و درخت و روی زمین و زیر زمین حکومت کند. نیامده که محکوم اینها باشد. این حاکمیت بر روی زمین- که فلسفه وجودی و وظیفه اصلی بشر است- محقق نمی‌شود مگر آن وقتی که شما قوانین زمین را بشناسید. تا این قوانین را نشناسید، نمی‌شود. پس این قوانین را با علم می‌شود شناخت. بنابراین روح علمی یک هدف مهم است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۰/۱۱/۱۵).

از منظر ایشان «فردای بدون علم، تاریک است و چراغ راه تحقق تمدن اسلامی مجاهده علمی است». علم از دیدگاه ایشان و با استناد به روایات، «سلطه‌آور است و جامعه صاحب علم را قدرتمند می‌سازد و کسانی که دنیای معاصر را از حیث علمی و عملی در چنبره خود دارند، دلیل اصلی آن این است که صاحب علم‌اند». از این رهگذر تأکید فراوان می‌کنند که «باید علم را فراگرفت و بلکه بایسته است تولیدکننده و صادرکننده آن شد و به مصرف آن نباید بسنده و دل‌خوش کرد». اما نکته مهم در این خصوص ابتدای محتوا و جهت این علم بر مبانی دینی است. از نظر ایشان، علم و دانش باید با معنویت گره بخورد والا خسارات جبران‌ناپذیری به بار خواهد آمد. ایشان در این زمینه می‌فرمایند: «ما در تمدن اسلامی و در نظام مقدس جمهوری اسلامی که به سمت آن تمدن حرکت می‌کند، این را هدف گرفته‌ایم



که دانش را همراه با معنویت پیش ببریم. ما می‌خواهیم علم با اخلاق پیش برود. دانشگاه همچنان که مرکز علم است، مرکز دین و معنویت هم باشد. متخرج دانشگاه‌های کشور مثل متخرج حوزه‌های علمیه دین‌دار بیرون بیاید» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۶/۰۶/۱۶). همچنین ایشان در بیانیه گام دوم بر این موضوع تأکید می‌کنند و می‌فرمایند: «دانش، آشکارترین وسیله عزت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است. دنیای غرب به برکت دانش خود بود که توانست برای خود ثروت و نفوذ و قدرت دو‌یست‌ساله فراهم کند و با وجود تهیدستی در بنیان‌های اخلاقی و اعتقادی، با تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب‌مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آنها را به دست گیرد. ما به سوءاستفاده از دانش مانند آنچه غرب کرد، توصیه نمی‌کنیم، اما مؤکداً به نیاز کشور به جوشاندن چشمه دانش در میان خود اصرار می‌ورزیم» (بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

**اخلاق:** از منظر آیت‌الله سید علی خامنه‌ای «هوای لطیفی است که اگر در جامعه بشری وجود داشت، انسان می‌تواند با تنفس او زندگی سالمی داشته باشد» (۱۳۸۸/۰۴/۲۹). در این عبارت، اخلاق عبارت است از هوای لطیف، یعنی «انسان‌ها به همان مقدار به اخلاق نیاز دارند که به هوا نه به آب و نه به غذا. انسان ممکن است بدون آب و غذا، چند روزی را دوام بیاورد اما بدون هوا چند دقیقه هم نمی‌تواند صبر کند. بنابراین اخلاق در زندگی آدمی و به عنوان یکی از پایه‌های تشکیل‌دهنده امت واحده اسلامی نه فقط نقشی کلیدی و مهم که نقشی حیاتی دارد». بر این اساس ایشان با «فاجعه‌آمیز خواندن نبود اخلاق و حاکمیت حرص‌ها، هواهای نفس، جهالت‌ها، دنیاطلبی‌ها، بغض‌های شخصی، حسادت‌ها، بخل‌ها، سوءظن به یکدیگر را منجر به زندگی سخت و تنگی فضا می‌داند» (جهان‌بین، معینی‌پور، ۱۳۹۳: ۶۷-۲۹).

#### ۴. ترسیم حیات طیبه

مقام معظم رهبری پس از تبیین هوشمندانه و آگاهانه مسیر و مؤلفه‌ها و ابزارهای تمدن‌سازی نوین اسلامی، آینده‌درخشانی با عنوان «حیات طیبه» ترسیم می‌کنند که در آن پیشرفت‌های شگرف مادی و علمی و صنعتی با استقرار معنویت و عدالت، جاذبه‌ای بین‌آحاد بشر، مسلمانان و غیرمسلمانان، به وجود خواهد آورد.



«فرض کنید بیست سال دیگر، سی سال دیگر کشور جمهوری اسلامی را مثلاً با ۲۰۰ میلیون یا ۱۸۰ میلیون یا ۱۵۰ میلیون نفر جمعیت با پیشرفت‌های شگرف مادی، علمی و صنعتی و با استقرار معنویت و عدالت ببینید چه می‌شود! چه جاذبه‌ای بین آحاد بشر - مسلمان و غیر مسلمان- به وجود می‌آورد؟! می‌خواهند این اتفاق نیفتد. حیات طیبه یعنی این؛ یعنی برویم به سمت یک چنین وضعی برای زندگی کشور؛ انقلاب می‌خواهد ما را به اینجاها برساند. رفاه، عدالت، نشاط، نشاط کار، شوق کار، علم، فناوری، اینها همه جزو حیات طیبه است؛ در کنار اینها معنویت، رحم، خلیقات اسلامی، سبک زندگی اسلامی، اینها جزو حیات طیبه است. نظم جزو حیات طیبه است؛ این حرکت به سمت حیات طیبه تمام‌نشدنی است. اَلَا اِلٰی اللّٰهِ تَصِيْرُ الْاُمُوْر. این همان صیروت به سمت خدا [است]. بشر به سمت خدا صیروت دارد و جامعه مطلوب اسلامی آن است که این صیروت در آن وجود داشته باشد. این صیروت تمام‌نشدنی است؛ همین‌طور به‌طور دائم ادامه دارد؛ انقلاب این است» (بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۹۴/۰۶/۲۵).

### نتیجه‌گیری

برای تحقق تمدن نوین اسلامی باید ابتدا زیرساخت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری آن شکل بگیرد. مقام معظم رهبری در سال‌های اخیر با تأکید فراوان روی دو مفهوم اساسی و کلیدی سبک زندگی اسلامی- ایرانی و تمدن‌سازی نوین اسلامی، سعی بر بنیان‌گذاری زیرساخت‌های ذهنی و انتزاعی و نرم‌افزاری در حوزه سبک زندگی اسلامی- ایرانی و ارتباط آن با آغاز مسیر پیشرفت در دو بخش متنی و ابزاری کرده‌اند.

آنچه ایشان در این سال‌های متمادی بجد بر انجام آن اصرار می‌ورزند تغییر مسیر سبک زندگی مربوط به رژیم شاهنشاهی حتی در تفکر افراد جامعه مانند تجملات و تشریفات، اسراف و تبذیر، مصرف‌زدگی و استفاده از کالای خارجی است. به زعم ایشان، ابتدا باید این مسیر حذف و ریل‌گذاری در جهت تولید نظریه توسط حوزه‌های علمیه و تولید علم توسط دانشگاه‌ها و تولید نظریه الگو و کاربست آن در عرصه زندگی که لازمه تحقق دولت اسلامی و انطباق دولت با قواعد و چارچوب‌های دینی است، انجام شود.



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به بررسی علت عدم پیشرفت در این حوزه پرداخته‌اند. از منظر ایشان باید جامعه نخبگانی و جوانان وارد عرصه شوند و علاوه بر شناسایی علل عدم پیشرفت، گفتمانی طراحی کنند که ناظر به رفع آسیب‌ها باشد.

همچنین ایشان رصد بی‌توجهی‌ها و کم‌کاری‌های جبهه خودی و برنامه‌های با بغض و کینه دشمن را از وظایف جوانان می‌دانند و بر اساس آنچه در مقاله حاضر آمده است، پیشنهاد می‌شود جامعه‌ای از جوانان و نخبگان فکری آینده‌نگر و دلسوز اقدام به تولید نظریه‌های مدون، کاربردی، آینده‌نگر، دارای هدف و برنامه کنند و همچنین مسئولان اجرایی در سطح قوای مقننه و مجریه با قانون‌گذاری‌های روان و با قابلیت اجرا و فراهم کردن زمینه حضور جوانان صاحب فکر و پرانگیزه به عرصه‌های عملی و اجرایی نظام سیاسی، زمینه پیشرفت در حوزه سبک زندگی اسلامی-ایرانی و به دنبال آن زمینه‌چینی برای تحقق تمدن نوین اسلامی را فراهم کنند.



## منابع

### - قرآن کریم

- توین بی، آرنولد (۱۳۷۶)، خلاصه دوره دوازده جلدی بررسی تاریخ تمدن، ترجمه محمد حسین آریا، تهران: امیر کبیر.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۰)، دین شناسی، قم: مرکز نشر اسرا.
- جهان‌بین، فرزاد و مسعود معینی پور (۱۳۹۳)، «فرآیند تحقق تمدن اسلامی از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای»، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، س ۱۱، ش ۳۹.
- خامنه‌ای، سید علی (آیت‌الله) (۱۳۹۷)، بیانیه گام دوم انقلاب.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۱)، کوثر مجموعه سخنرانی‌های حضرت امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر امام خمینی (ره).
- رحمان‌پور، محمد، مریم‌سادات سید شریفی و فاطمه خانقلی (۱۳۹۵)، «سبک زندگی اسلامی-ایرانی از منظر آیات و روایات و بیانات مقام معظم رهبری»، دومین کنگره بین‌المللی توانمندسازی جامعه در حوزه مشاوره، خانواده و تعلیم و تربیت اسلامی، تهران.
- شریفی، احمد حسین (۱۳۹۱)، «سبک زندگی به عنوان شاخصی برای ارزیابی سطح ایمان»، مجله معرفت فرهنگی-اجتماعی، س ۳، ش ۳.
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله و ضیا هاشمی (۱۳۸۱)، «گروه‌های مرجح در جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی با تأکید بر نظریه‌های مرتن و فستینگر»، نامه علوم اجتماعی، ش ۲۰.
- علوی نیا، علی (۱۳۹۳)، «بررسی نقش دین در سبک زندگی فردی و اجتماعی زنان»، همایش ملی تحکیم بنیان خانواده و نقش زن،
- مجله معارف، ش ۹۶، فروردین و اردیبهشت.
- محمدی، منوچهر (۱۳۹۴)، انقلاب اسلامی در بوته آزمون، تهران: دانش و اندیشه معاصر.
- مظاهری، حسین، سید داریوش رحیمی و جمشید ابراهیم پور (۱۳۹۶)، «سبک زندگی»، فصلنامه مطالعات تاریخ و تمدن اسلام و ایران، ش ۶، تابستان.

